

شاعر: مرضیه تاجری

تصویرگر: زهرا امسان فر

پیراهن من

گفتم به او عیبی ندارد
می‌شویمت با آب کم کم
این بار وصلت می‌کنم زود
بر بند با یک گیره محکم

فوری به دنبالش دویدم
یک رفتگر آن را به من داد
اخمو و خاکی بود خیلی
پیراهنم از بازی باد

باد آمد و با فوت فوتش
پیراهنم را با خودش برد
آن را کجا؟ در کوچه انداخت
پیراهنم در خاک قل خورد



فاصله

شماره ۶۷
آبان ۱۳۸۰

۱۴۰۱

شاعر
بخوانیم